

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درس نامه سطح 2

موضوع: مهدویت (معنا و مفهوم انتظار)

تهیه شده در: موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

جلسه اول

مقدمه: همه شما تا به حال منتظر چیزی بوده اید و انتظار کشیدن و منتظر ماندن را بارها در زندگی شخصی تجربه کرده اید؟ مثلاً منتظر آمدن تاکسی یا خط واحد و ... خوب چند موارد را شما بگویید. (در این جا استاد به شاگردان فرصت می دهد که هر کدام مثالی بزنند و استاد با تحسین و تشویق در صورت نیاز کمی در مورد مثال ها توضیح بدهد).

- منتظر فرارسیدن تعطیلات تابستان.
- منتظر فرارسیدن بهار و تعطیلات نوروزی
- یا منتظر آغاز سال تحصیلی و رفتن به مدرسه
- منتظر ماندن ماشین برای رفتن به اردو و...
- یا منتظر آمدن مهمان مثل پدر، برادر، عمو، دایی و...

یا اگر می خواهید به مسافرت بروید، منتظر فرارسیدن زمان حرکت. مثلاً اگر بخواهید به مسافرت مشهد یا کربلا بروید از شب تا به صبح را در انتظار می گذرانید که وقت حرکت برسد؛ چون برای شما ساعت حرکت خیلی مهم است، از این رو برای فرارسیدن زمان حرکت لحظه شماری می کنید.

نوع دیگر انتظار این است که منتظر رسیدن یک میهمان عزیز از یک سفر مهم باشیم.
هر کس ممکن است یک مهمان مهم داشته باشد که در سفر بوده و بناست که به زودی از راه برسد. خوب طبیعی است که انسان برای آمدن او لحظه شماری کند و منتظر باشد.

(استاد محترم در حین توضیح بر روی تابلو - در صورتی که نقاش خوبی است - سه کوچه را نقاشی کند).

محله ای انتظار

دوستان عزیز! فرض کنید در محله ما سه کوچه است که از هر کوچه ای یک پدر به سفر حج رفته است و فرزندان آنها منتظر آمدن پدرشان از سفر حج هستند، اما هر یک از این محله ها به شیوه ای خاص **کوچه اول:** در این کوچه که فرزندان باید منتظر بازگشت پدرشان باشند و مقدمات آمدن او را فراهم کنند، اما با کمال تعجب می بینیم که در این کوچه هیچ گونه اثری از آمادگی برای پذیرایی از میهمان وجود ندارد؛ زیرا کوچه بر اثر بارندگی شب قبل، گل آلود شده است. در خانه هم وضعیت مشابهی وجود دارد. در آنجا آجر و سیمان و شن ریخته اند و مشغول بنایی هستند، بچه ها با توپ زده اند شیشه های منزل را شکسته اند و...

خلاصه این که بچه های این مسافر نه تنها کاری نکرده اند بلکه تا توانسته اند کاری کرده اند که هیچ میهمانی رغبت نمی نماید قدم به آن چنان خانه ای بگذارد.

کوچه دوم: (با اشاره استاد به کوچه دوم) در این کوچه هم بچه ها آن چنان که باید و شاید خود را آماده نکرده اند و بر اثر غفلت و بی توجهی وظیفه اصلی خودشان را که همان آماده کردن مقدمات ورود پدر مسافرشان است را با جدیت و تلاش پی گیری نمی کنند. آنها دست بر روی دست گذاشته و در خانه کنار تلویزیون نشسته اند و مشغول دیدن فیلم سینمایی هستند. البته گاهی هم منتظر هستند تا شاید زنگ خانه به صدا در آید و پدرشان از سفر برسند. آنها برای آمدن میهمان عزیز خود تلاش واقعی و لازم را نمی کنند. اصلاً انگار نه انگار پدرشان به سفر رفته و قرار است که تا چند روز دیگر برگردد. آنها آنقدر سرگرم خودشان شده اند که نبود پدر را احساس نمی کنند و تنها زمانی به یاد او می افتند که گرفتار شده و راه نجاتی که پیدا نکردند، آن وقت است که به یاد پدر افتاده و نبود او را احساس می نمایند.

کوچه سوم: اما در کوچه سوم بچه های خانه برای آمدن میهمان خود برنامه ریزی می کنند. بعضی از آنها مشغول تمیز کردن کردن خانه، پاک کردن شیشه ها، شستن حیاط منزل و... هستند. بعضی از آنها هم کوچه را آب و جارو می کنند، خانه را چراغانی کرده و آذین می بندند، سر کوچه را پلاکارد خوش آمدگویی بسته اند. بعضی از آنها برای خرید گوسفند قربانی رفته اند. خلاصه این که تمام افراد خانواده و فامیل در تلاش هستند، همسایه ها و فامیل ها را خبر می کنند، مرتب با فرودگاه در تماس هستند. آخر هم طاقت نمی آورند و همه با هم به سمت فرودگاه می روند: تا میهمان عزیز خود را بردارند و به خانه بیاورند. خلاصه یک شور و حرارتی در این کوچه برپاست و همه در حال تلاش هستند.

خوب دوستان من! به نظر شما بهترین کوچه ها کدام کوچه بود؟

اگر شما باشید کدام کوچه را انتخاب و تأیید می کنید؟
کوچه اول را که همه چیز به هم ریخته و خراب و کثیف است؟ یا کوچه دوم که دست روی دست گذاشتند و در حال غفلت، بی تفاوتی و بی خیالی بوده و تنها در مواقع گرفتاری به یاد پدر می افتند؟
یا کوچه سوم که همگی در تلاش هستند تا میهمان آنها از سفر بیاید؟
کاملاً معلوم و مشخص است که هر انسان عاقلی از کنار این سه کوچه رد شود کوچه سوم را می پسندد و به آن فرزندان با غیرت و همت آفرین می گوید و آنها را تشویق می کند.

یک مثال زنده

دوستان من! شماها هیچکدام روز 12 بهمن 57 نبودید ولی می توانید از بزرگتر های خود پرسد و یا فیلم های آن روزها را تماشا کنید. مردم ایران در شرایطی که رژیم ستمشاهی در ایران حکومت می کرد منتظر آمدن امام خمینی (رحمة الله) بودند. حکومت وقت گفته بود اجازه نمی دهیم امام خمینی (رحمة الله) وارد ایران بشود. چون خود آنها امام را از کشور تبعید کرده بودند و 15 سال بود که امام مردم در تبعید بود و مردم منتظر آمدن او بودند ولی وقتی امام می خواستند تشریف بیاورند. تمام مردم ایران به شور و حرارت افتادند. میلیونها نفر جمع شدند در تهران خیابانها را تمیز کردند. جارو کردند، گلاب پاشیدند، اسفند دود کردند، شیرینی و نقل پخش کردند، خیابانها را گل کاری کردند و فقط 50 هزار نفر مأمور حفظ جان امام خمینی (رحمة الله) شدند وقتی امام خمینی (رحمة الله) وارد ایران شد همگی به استقبال او رفتند و از جان او محافظت کردند. لحظه های بسیار شیرینی بود. از فرودگاه مهرآباد تهران تا بهشت زهرا کیلومترها راه بود ولی مردم در تمام این مسیر از امام استقبال کردند و مواظب او بودند و در آخر هم به سخنان او گوش دادند و طی 10 روز رژیم ستمشاهی را نابود کردند و جمهوری اسلامی را برپا کردند. اگر مردم این گونه منتظر آمدن امام نبودند و برای دیدن او لحظه شماری نمی کردند آیا امام وارد ایران می شد؟

سه انتظار

دوستان من! حتماً می دانید ما و همه مردم جهان سالهاست که منتظر آمدن یک میهمان عزیز هستیم، مسیحی ها می گویند در آخر الزمان عیسی ظهور خواهد کرد. یهودیان معتقدند منجی آخر الزمان « ماشیح » است. بودائی ها نام او را میتویه (مهربان) می نامند - زرتشتیان او را «سوشیانس» می گویند و هندوها به آن منجی آخر الزمان «کاشکی» می گویند. بالاخره همه دنیا منتظر آمدن یک منجی هستند تا دنیا را از ظلم و ستم و گناه و معصیت نجات دهد. اما بهترین اعتقاد را مسلمانان بالاخص شیعیان دارند. زیرا در کتابهای ما در قرآن ما در احادیث ما هزاران روایت آمده و نام منجی آخر الزمان، زمان ظهور، علائم ظهور، تعداد یاران، مکان ظهور، ویژگی های یاران او و همه توضیحات لازم درباره او آمده و لذا اعتقاد ما شیعیان یک اعتقاد کامل و جامع است. بلکه ما اعتقاد داریم که منجی آخر الزمان به نام حضرت مهدی (عجل الله فرجه) به دنیا آمده و زنده هستند و عمر طولانی هم دارند و ما وظیفه داریم مقدمات ظهور آن امام عزیز را فراهم کنیم در حقیقت همه ما باید منتظر باشیم اما یک منتظر واقعی و حقیقی همراه با تلاش و زحمت و کار و کوشش. مردم دنیا هم مانند همان سه کوچه سه نوع انتظار دارند.

انتظار نوع اول: عده ای از مردم دنیا با وجودی که می دانند بالاخره روزی منجی آنها خواهد آمد، ولی با این همه، از وجود مشاهده خرابکاری و فساد در دنیا، هیچ تلاشی برای آمدن او نمی کنند و خود و محیطشان را برای آمدن موعود و منجی آماده نمی سازند.

انتظار نوع دوم: در این نوع انتظار، مردم بی تفاوت و بی خیال هستند و دست روی دست گذاشته اند و به جای آنکه مقدمات و بسترهای لازم برای ظهور را فراهم نمایند، با مشغول شدن به دنیا و زن و بچه و فوتبال و ماشین و ... منتظر بودن را فراموش کرده اند، به گونه ای که انگار قرار نیست موعود آنان به زودی ظهور خواهد نمود.

اما انتظار نوع سوم: همان انتظاری است که باید ما شیعیان داشته باشیم و مانند کوجه سوم است که فرزندان عاقل و مؤدب آن خانه، منتظر آمدن میهمان عزیز خود از سفر بودند و همه چیز را برای آمدن آنها فراهم کرده بودند.

معنای انتظار

انتظار، چشم به راه بودن است و این چشم به راهی به تناسب بستر و زمینه آن ارزش پیدا می کند. انتظار تنها یک حالت روحی و درونی نیست بلکه از درون به بیرون سرایت می کند و حرکت و اقدام را می آفریند. به همین دلیل است که در روایات، انتظار به عنوان یک عمل و بلکه بهترین اعمال، معرفی شده است؛^۱ زیرا انتظار به «منتظر» شکل می دهد و به کارها و تلاش های او جهت خاصی می بخشد. بنابراین «انتظار» با نشستن و دست روی دست گذاشتن نمی سازد. انتظار با چشم به در دوختن و حسرت خوردن، تمام نمی شود؛ بلکه در حقیقت انتظار، حرکت و نشاط و شور آفرینی نهفته است. آنکه در انتظار مهمان عزیزی است، سر از پا نمی شناسد و در تلاش است تا خود و محیط اطراف خود را برای آمدن مهمان، آماده کند و موانع حضور او را برطرف سازد.

وظایف منتظر

1. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: افضل الاعمال انتظار الفرج؛ بحار الانوار، ج 53، ص 177.

1- شناخت امام

اولین و مهم ترین وظیفه منتظران در زمان غیبت شناخت حضرت است و مراد از آن هم شناخت شناسنامه ای و یا تاریخی صرف نیست اگرچه آن هم مفید است ولی کافی نیست بلکه منظور شناخت جایگاه و رتبه و مقام والای امام است .

ابونصر که از خدمت گذاران امام حسن عسگری علیه السلام است پیش از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از او می پرسد: آیا مرا می شناسی؟ پاسخ می دهد: آری! شما سرور من و فرزند سرور من هستید. امام علیه السلام می فرماید: مقصود من چنین شناختی نبود. در این هنگام ابونصر پرسید: (پس مقصود شما چیست؟) خودتان بفرمایید.

امام علیه السلام می فرماید: من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خداوند به برکت من بلا را از خاندان و شیعیانم دور می کند.²

امام باقر علیه السلام فرمودند:... مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي قُسْطَاطِهِ؛³ کسی که بمیرد در حالی که امام خود را شناخته باشد، جلو افتادن و یا تاخیر امر (ظهور) به او زیان نمی رساند و کسی که بمیرد و حال آنکه امام خود را شناخته است مانند کسی است که در خیمه امام و همراه او بوده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:... در زمان غیبت طولانی باطل گرایان (در اعتقاد و دین خود) به شک و تردید گرفتار می شوند. زرازه از یاران خاص امام گفت: اگر آن زمان را شاهد بودم چه عملی انجام دهم؟ حضرت فرمودند: این دعا را بخوان: اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک...⁴ (حاشیه مفاتیح الجنان، باب ششم، دعای زمان غیبت).

2- همرنگی با حضرت (سنخیت)

حتما دیده اید که بعضی ها خود را شبیه هنر پیشه ها، فوتبالیست های می کنند؟ چرا؟ به خاطر اینکه به او علاقمندند و با این کار می خواهند بگویند که ما تو را دوست داریم و می خواهیم مثل تو باشیم. اگر می خواهیم یار و یاور آقا باشیم باید رفتار و کردارمان نیز شبیه به ایشان باشد. مانند دوری از کارهای ناپسند، نماز اول وقت و ... نمی توان مدعی شد که من منتظر امام زمانم و دوست دارم آقا را بینم و در زمره یاران حضرت باشم، ولی رفتار و گفتار ما مخالف با رفتار آن حضرت باشد و چه بسا که ناراحتی حضرت را نیز به دنبال داشته باشد. مثل این که شخصی ادعا کند من معلم، پدر و ... خود را

² - کمال الدین، ج2، ب43، ح12، ص171

³ - اصول کافی ج1، باب84، ح5، ص433 از نگین آفرینش ص119

⁴ .الغیبه، نعمانی، باب10، فصل3، حدیث6، ص170.

دوست دارم، ولی تمام کارها و رفتارهایش مخالف رفتار آنها باشد به گونه ای که آنها با دیدن او ناراحت شده و متأثر گردند.

3- دعا برای تعجیل در فرج حضرت

مانند گفتن جمله و عجل فرجهم پس از صلوات، خواندن دعای فرج، دعای ندبه، دعای عهد و ...

4- حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت

امام رضا علیه السلام فرمودند: هر کس در مجلسی بنشیند که امر ما در آن زنده می گردد، روزی که دلها می میرند دل او نخواهد مرد. ۵

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «در باغ های بهشت بگردید» سوال کردند: یا رسول الله! باغ های بهشت چیست؟ فرمودند: «مجالس ذکر و یاد اهل بیت...» ۶

در حدیث دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «همانا خداوند کسی را که در مجلس اهل ذکر می نشیند، می آمرزد و او را از آنچه می ترسد ایمن می دارد. پس فرشتگان می گویند: پروردگارا فلانی در میان آنان است و او تو را یاد نکرد. خداوند می فرماید: او را به خاطر همنشینی با آنان آمرزیدم؛ زیرا که یادکنندگان حق چنین هستند که همنشین ایشان از جهت آنها بدبخت نگردد. ۷»

5- ایستادن هنگام شنیدن نام خاص حضرت

یعنی هر وقت نام (قائم) او را می شنود و یا بر زبان می آورد دست ها را بر روی سر بگذارد و تمام قد بایستد.

روزی در مجلس امام صادق علیه السلام از صاحب الزمان عجل الله فرجه یاد شد. آن حضرت به منظور تعظیم و احترام آن حضرت بپاخواست. این رفتار از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است و معنای آن این است که من برای دفاع از شما و بودن در رکاب شما حاضر و آماده هستم.

6- صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت

گاهی وقتها که برای خودتان صدقه می دهید، سلامتی آقا امام زمان علیه السلام را نیز نیت کنید که بدون شك نگاه و محبت آقا را متوجه شما خواهد کرد.

⁵ - بحار الانوار، ج 44، ص 278 از مکالمات المکارم، ج 1، ص 254

⁶ - مکالمات المکارم، ص 254

⁷ - عدة الداعی، 238 ح 17 و مستدرک الوسائل 400/1 ح 2. از مکالمات المکارم ج 1، ص 254

خلاصه سخن این که ما باید حرکت کنیم، تلاش کنیم با درس خواندن، با عبادت، با اعمال صالح، با کمک کردن به یکدیگر خودمان را به سمت پیشرفت حرکت دهیم تا کم کم دنیا هم آماده بشود.

حکایت یک منتظر واقعی

سؤال: بچه ها کدام یک از شما تا به حال به شهر اهواز سفر کرده اید: در شهر اهواز یک مکان زیبایی همراه با گنبد و بارگاه است به نام زیارتگاه علی بن مهزیار اهوازی! این علی بن مهزیار حکایت زیبایی دارد که خدمت امام زمان (علیه السلام) رسیده و گفتگویی بین او و امام زمان (علیه السلام) رخ داده که برای شما نقل می کنم!

علی بن مهزیار می گوید: 19 مرتبه با پای پیاده از اهواز به سفر حج رفتم تا امام زمان (علیه السلام) خود را زیارت کنم. (زیرا امام زمان علیه السلام هر سال در ایام حج به خانه خدا می آیند و اعمال حج را انجام می دهند و بعضی از افراد مؤمن می توانند آن حضرت را زیارت کنند). اما در هیچ یک از این سفرها نتوانستم امام زمان (علیه السلام) را زیارت کنم در سال بیستم که با پای پیاده به سفر حج رفتم بالاخره تمام زحمات من نتیجه داد و یک شب در کنار خانه خدا با یک جوانی آشنا شدم و او به من گفت: خداوند به تو اذن داده که مولای خود را زیارت کنی شبانه بدون اینکه کسی متوجه بشود بیا تا با همدیگر نزد امام زمان (علیه السلام) برویم. علی بن مهزیار می گوید شب رفتم و حرکت کردیم: از کوه های عرفات و سرزمین منا گذشتیم و نماز شب را در بیابان خواندیم و حرکت کردیم. تا به خیمه ای رسیدیم که نوری از آن بیرون می آمد. آن جوان گفت: امید و آرزوی تو در آن خیمه است. از شتر پیاده شدیم به او گفتم شتر را به چه کسی بسپارم؟ گفت: مهار شتر را رها کن اینجا حرم قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) است. (کسی جز افراد با ایمان به اینجا نمی آیند). این عبارت را روی تخته بنویسیم و مقداری توضیح دهید. یعنی ایمان و عمل صالح از شرایط ملاقات با امام زمان (علیه السلام) است. پس او وارد خیمه حضرت مهدی (علیه السلام) شد. و اجازه ورود گرفت، بعد بیرون آمد و به من گفت: وارد شو که در اینجا جز سلامتی چیزی نیست. وقتی وارد خیمه شدم حضرت را در کمال زیبایی و وقار و متانت دیدم که قطراتی از عرق مانند شبنم بر پیشانی مبارک حضرت نشسته بود و خالی سیاه در گونه راستش بود. سلام کردم و حضرت با لحن بسیار زیبایی جواب سلام مرا دادند. و با من صحبت کردند و از احوال مردم منطقه خودمان پرسیدند. حضرت مهدی (علیه السلام) فرمودند: من شبانه روز منتظر و چشم به راه تو بودم، چرا این قدر دیر به نزد ما آمدی؟ علی بن مهزیار تعجب کرد و عرض کرد آقا جان کسی مرا راهنمایی کرد تا به محضر شما بیایم. (من به سفر حج آمدم تا شما را زیارت کنم) حضرت مهدی (علیه السلام) فرمودند: نه! دلیلش این نیست بلکه آن چه ملاقات ما را برای شما به تأخیر انداخته این است که.

1- به ثروت اندوزی و زیاد کردن اموال خود پرداختید.

2- بر مؤمنان ضعیف گردنکشی و زورگویی کردید.

3- قطع رحم با خویشان خود کردید.

اکنون چه عذری و چه جوابی دارید؟

علی بن مهزیار گفت: آقا جان! توبه توبه! گذشت کنید. آن گاه عرض کرد: آقا جان! چرا شما از ما دور هستید و ظهور شما به طول انجامیده است؟

حضرت مهدی (علیه السلام) فرمودند: پسر مهزیار پدرم امام حسن عسکری (علیه السلام) از من عهد و پیمان گرفت که در کنار افرادی که خداوند متعال بر آنها غضب کرده و در دنیا و آخرت مورد نفرت و مستحق عذاب او هستند نباشم. علی بن مهزیار می گوید: چند روزی در محضر حضرت بودم، آن گاه از ایشان اجازه گرفتم و به سمت دیار خود برگشتم. (به نقل از میر مهر، حجه الاسلام پور سید آقایی، ص 158 و 447)

بر آن صورت و حال وجه حسن سلام علی حجه ابن الحسن.

از آیه الله بهجت سؤال کردند؟ چه کار کنیم خدمت امام زمان مشرف شویم. ایشان فرمودند: زیاد صلوات هدیه وجود مقدسش کنید و دعاها را تعجیل فرج را بخوانید. هم چنین زیاد به مسجد جمکران بروید و نمازهای آن را بخوانید. (امام زمان در کلام آیه الله بهجت ص 73)

نتیجه:

همانطور که قبلاً گفتیم در مثل آمادگی و انتظار مردم ایران برای آمدن امام خمینی، یک نوع انتظار واقعی، سازنده، مفید و مؤثر بود که تا آخر هم از امام خمینی (رحمه الله علیه) حمایت کردند. حالا باید همه ی ما این انتظار را برای آمدن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود داشته باشیم که البته این انقلاب هم مقدمه ای برای ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

ان شاء الله همه ی ما جزء منتظران واقعی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشیم.

تا در پناه مصحف و در دین احمدیم بر جمله خلائق عالم سر آمدیم

زیر لوای آل علی (ع) صف کشیده ایم چشم انتظار مهدی آل محمدیم

(این شعر را روی تخته برای بچه ها بنویسیم و بخوانیم و از آنها بخواهیم که آن را در دفتر خود بنویسند).

خدا کند که بیایی

الا که راز خدایی خدا کند که بیایی تو نور غیب نمایی خدا کند که بیایی

شب فراق تو جانا خدا کند که سر آید سر آید و تو بر آیی خدا کند که بیایی

دمی که بی تو بر آید خدا کند که نیاید الا که هستی مایی خدا کند که بیایی

به هر دعا که توانم تو را همیشه بخوانم
تو مشعری، عرفاتی، تو زمزمی تو صفایی
الا که روح دعایی خدا کند که بیایی
تو رمز آب بقایی خدا کند که بیایی
قسم به عصمت زهرا (سلام الله علیها) بیا زغیبت کبری
دگر بس است جدایی خدا کند که بیایی.

آخر کلاس بهتر است برای آن که حال و هوای امام زمان (علیه السلام) به دلها منتقل شود این شعر را به نحوی بخوانیم. که خود بچه ها فراز «خدا کند که بیایی» را با همدیگر تکرار کنند. و بعد دستها را به دعا برداریم و بچه ها آمین بگویند: خدایا ماه های باقی مانده از غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به هفته ها، هفته ها را به روزها و روزها را به ساعت ها و ساعت ها را به ثانیه ها تبدیل کن و فرج امام زمان را برسان. آمین خداوندا ما را جزء منتظران حقیقی حضرتش قرار بده و ما را از سربازان و یاوران امام زمان قرار بده، چشمان ناقابل ما را به جمال دلربایش منور بگردان مقدمات ظهور و فرجش را فراهم بفرما. و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

به کوشش حجت الاسلام والمسلمین فولادی